

مقاله

و
م



خاجیک گئورگیان*

تحلیل تطبیقی فتوت و عیاری

بهبین گوهرتن مروت بود
فتوت نداشت کسی را نژند
مروت نشان فتوت بود
فتوت بود کسی را نژند
فتوت سرمرد دارد بلسند
فتوت بود کار آزادگان
فتوت بود گوهر شایگان
فتوت کند نام مرد آشکار
تو چیزی و رای فتوت مدار...^۱

اما فتوت چیست؟ از کجا به وجود آمد و چه اصول و قواعدی دارد؟ ابو عبدالرحمان سلمی در کتاب الفتوه در قرن چهارم هجری سعی کرده است مخالفت بین شریعت و طریقت را بر طرف و این دو جریان عمده را متحد کند.^۱ او در این کتاب رفتار و روش جوانمرد واقعی را وفا، دوستی، فداکاری، رحم و همه فعالیت‌های انسانی که با این رفتارهای پاک رابطه‌ای دارند ذکر می‌کند.

سلمی در بخش اول «کتاب الفتوه» می‌نویسد: «پرسیدی جوانمردی چیست؟»

بدان که جوانمردی هماهنگی و خوش طاعتی و ترک زشتی‌ها و لازم دانستن خوشخویی‌ها و نیکی‌های آشکار و پنهان است. باید هرحالی از احوال و هر وقتی از اوقات را که جوانمردی از تو می‌طلبد، لازم بدانی و در همه احوال از جوانمردی تهی نباشی. جوانمردی که با پروردگار و پیامبر و صحابه و گذشتگان نیک و با مشایخ و برادران و خانواده و خویشان به کار می‌بری»^۲.

نظر سلمی درباره آغاز فتوت و اخلاق جوانمردی این است که فتوت و جوانمردی از اولین روز آفرینش دنیا و نخستین انسان از طرف الله به آدمی سپرده شده و نخستین کسی که به دعوت فتوت پاسخ گفت و کرامت‌های مروت را صاحب شد آدم (ع) بوده است.^۳ ابو نصر محمد بن عبدالباقی خباز معروف به ابن رسولی، ادیب و شاعر نیمه دوم قرن پنجم هجری نیز رساله‌ای در فتوت نوشته و آن را میراث پیامبران و امامان می‌شمارد و می‌گوید که از زمان حضرت آدم (ع) آئین فتوت در جهان پیدا شد و آدم به گزاردن حق آن قیام کرد و چون مدت وی به پایان آمد در باب آن به شیث نبی وصیت کرد و سپس به نوح انتقال یافت و از نوح به سام رسید، بعد به ابراهیم، بعد در مسیح ظاهر شد و سرانجام به حضرت رسول اکرم رسید.^۴ اینجا به یک مسأله خیلی جالب و قابل توجه برمی‌خوریم. گفته شد که آدم به دعوت فتوت پاسخ داد، یعنی می‌توانیم حدس بزنیم که از دیدگاه صوفیان، فتوت یک هدیه و رفتار الهی است که به آدم پیشنهاد می‌شود و آدم با خوشحالی می‌پذیرد؛ پس فتوت، شفقت و رحم دلی خداست برای آدم ابوالبشر یعنی برای همه بشریت.

حضرت علی بن ابیطالب پسر عمو و داماد و جانشین پیغمبر اسلام در حقیقت سرپرست و مشوق واقعی جوانمردی محسوب می‌شده و شجاعتش زبانزد خاص و عام بوده است؛ به طوری که گفته‌اند چندین مرتبه جان خود را در راه پیغمبر اسلام به خطر انداخته است و روی همین اصل حضرت محمد (ص) در باب او گفته است: «لافتی الاعلی» یعنی جوانمردی نیست مگر علی.^۵ در روایتی از جوانمردی امام علی (ع) آمده است که «روزی عبدالرحمن ملجم را گفت: تو قاتل من خواهی بود. عبدالرحمن گفت: مرا بکش تا از من این فعل در وجود نیاید. علی گفت: طریق ما آن است که بعد از گناه عفو کنیم، نه پیش از گناه عفویت»^۶.

درباره رفتار جوانمردانه حضرت علی (ع) روایات بسیار زیادی نقل شده است و به همین دلیل، علی (ع) را بنیان‌گذار فتوت محسوب کرده‌اند. همه جوانمردان در طول تاریخ و همه پیروان آئین فتوت چه اهل دین بوده‌اند و چه بد اخلاق و فتنه‌انگیز (فتیان، عیاران، شاطران، اخی‌ها و به خصوص علویان، بکتاشیان^۷ که در واقع مذهب جعفری را پذیرفته‌اند) به علی (ع) احترام بسیار می‌گذارند. محبت به اهل بیت در میان اهل فتوت یک شعار و اعتقاد اساسی است.^۸ اما چرا حضرت علی برای رهبری اهل فتوت انتخاب شده است؟ علی (ع) انسانی پاک‌دل و بی‌گناه محسوب می‌شود که هرگز بت پرست نبوده و از هفت سالگی دین اسلام را پذیرفته است. فتیان علی را «فتی المطلق» (شاه‌مردان) می‌خوانند.^۹ بنابراین از یک دیدگاه فتوت شعبه‌ای از تصوف محسوب می‌شود؛ چون اصول اخلاقی و الگوهای پرهیزگاری و عفت در فتوت با تصوف زمینه‌های مشترک دارند؛ گرچه تفاوت‌هایی هم دارند. محمد جعفر محبوب

می‌نویسد: «فتوت تصوفی است عوامانه و راه و رسم‌های آن ساده و عملی و در خور فهم پیشه‌وران و صنعت‌گران و کشاورزان و خلاصه، عامه مردم است».^{۱۱} اهل تصوف برای رسیدن به هدف‌های خود از پیروان فتوت عام استفاده می‌کردند، یعنی نوجوانان عامه مردم که به عقاید فتوت گرایش داشتند به راحتی می‌توانستند به راه و جرگه طریقت گام بگذارند. رکن اساسی این گونه فتوت ایثار بود و آن نخستین عنصر فتوت صوفیان است. به همین سبب، نخست، مفهوم فتوت به شجاعت و بخشندگی و ایثار و برخاستن از سر هوای نفس و تخلق به اخلاق حسنه و اطلاق شد.^{۱۲}

قشیری در «رساله» می‌نویسد: «... و گفته‌اند جوانمرد آن بود که بت بشکند چنانکه در قصه ابراهیم (ع) می‌آید..... و بت هر کس نفس اوست هرکه هوای خویش را مخالفت کند او جوانمرد به حقیقت بود.»^{۱۳}

پس از نظر تصوف، پیرو جهان بینی فتوت، اول باید با جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس شروع کند و از این راه به خدا برسد. نقل است که مولی (ع) از حق تعالی پرسید که «مالفتوه». قال: فتوت زندگانی کردن است به وجهی که نفس به دواعی طبیعت و کسورت بشریت ملوث نگردد و به هیات بدنی و صفات بهیمی و سبعی متصف نگردد.^{۱۴}

مبانی و اصول فتوت را از قول حضرت علی (ع) مشتعل بر هشت خصلت نوشته‌اند که عبارت است از «الوفاء و الصدق و السخاء و التواضع و النصیحه و الهدایه و التوبه».^{۱۵} همین مبانی و اصول جوانمردی را می‌توانیم از فتوت نامه‌ها یا رسایل جوانمردان به دست آوریم. فتوت نامه‌ها در حقیقت همان کتاب‌های آموزش هستند برای جوانانی که می‌خواهند عضوی از تشکیلات فتیان باشند. اکثریت این فتوت نامه‌ها برای تشکیلات صنفی نوشته شده است. از فتوت نامه‌ها می‌توان فتوت نامه سلطانی از حسین واعظ کاشفی، فتوت نامه شهاب‌الدین عمر سهروردی، فتوت نامه نجم‌الدین زرکوب تبریزی و فتوت نامه شمس‌الدین آملی را نام برد. پس فتوت از دیدگاه صوفیان یک جهان‌بینی و رفتار باطنی بسوده است؛ اما در قرن ۱۷ م. این خصوصیت باطنی، آرام آرام فراموش می‌شود و راه فتوت تنها منحصر به تشکیلات اصناف می‌گردد. اعضای تشکیلات صنفی هم برای نظم دادن به کار و فعالیت خود، فتوت نامه‌ها را نوشته‌اند، مانند فتوت نامه چیت‌سازان، رساله سلیمانان و سرترشان، رساله گلایبان و...

آنچه بررسی شد فتوت از دیدگاه صوفیان و مخصوصاً از دیدگاه اسلام بود که آغاز آن را به نبوت و به اسم حضرت علی (ع) مربوط کرده‌اند؛ اما وقتی از نظر تاریخ نگاه می‌کنیم می‌بینیم که قرن‌ها پیش از اسلام جهان‌بینی فتوت در سرزمین قدیم ایران وجود داشته است.

در تاریخ ایران باستان می‌بینیم که راه و رفتار ایرانیان قدیم همین راه و رفتار فتوت بوده است و اصل دین زرتشتیان «کردارنیک، پندار نیک و رفتار نیک» است که برهان ظاهری بر این نکته می‌باشد و قرن‌ها بعد سلمی می‌نویسد: «از جوانمردی این است که آدمی گوش را از شنیدن زشتی نگه دارد چنانکه زبانش را از زشت‌گویی نگاه می‌دارد...»^{۱۶} در حقیقت فلسفه و جهان‌بینی ایرانیان دوران باستان، فلسفه مبارزه است و اهورا مزدا و اهریمن دو قطب این فلسفه را تشکیل می‌دهند و نور و ظلمت از کهن‌ترین اندیشه‌های ایرانیان است. برترین نمونه

بزرگواری در این هنگام اهل زورخانه - عیاران و پهلوانان - بوده اند. تاریخ زورخانه و اعضای آن به زمان‌های قدیم می‌رسد.^{۱۷}

دکتر مهرداد بهار می‌نویسد: « آئین عیاران و اهل زورخانه با آئین مهر و میترائیسم ربط پیدا می‌کند..... بنا به افسانه‌های رومی، مهر، پس از زاده شدن بر آن شد تا نیروی خود را بسنجد. بدین روی نخست با ایزد خورشید زورآزمایی کرد و کشتی گرفت. در این کشتی گرفتن خورشید تاب نیروی مهر را نیاورد و بر زمین افتاد؛ سپس مهر او را یاری داد تا برخیزد؛ آنگاه دست راست خویش را به سوی خورشید دراز کرد، دو ایزد با یکدیگر دست دادند و این نشانه بیعت خورشید با مهر بود. سپس مهر، تاجی بر سر خورشید نهاد و از آن پس آن دو یاران و فادار یکدیگر ماندند.

و سپس ادامه می‌دهد: نکته اصلی در کار زورخانه کشتی گرفتن است و چون پهلوانی فرو افتد دقیقاً همان آداب دست دادن را دو پهلوان به جای می‌آورند و با دست‌های چپ، بازوهای راست یکدیگر را می‌گیرند و با دست‌های راست با یکدیگر دست می‌دهند و همان گونه که مهر و خورشید با هم پیمان دوستی بستند، دو کشتی گیر نیز هرگز با یکدیگر دشمنی نمی‌ورزند و اگر کینه ای پدید آید، باید یکدیگر را ببوسند و آشتی کنند و دوست بمانند.^{۱۸}



گروهی که ملقب به فتوت هستند همان گروه عیارانند، پس آئین جوانمردی از نظر صوفیان و عیاران چند تفاوت دارد که ذکر می‌کنیم: یک تفاوت مهم بین اصول عیاران و فتوت اهل تصوف آن است که در تصوف هدف اصلی کاستن از خود و رسیدن به حق مطلق است. اینجا دشمن انسان، نفس اوست، اما هدف اصلی پهلوان و عیار، جنگیدن با ظلم است. عیاری نوعی جنبش است که تشکیلات آن از گروه‌های جنگجوی و راهزن و گریزی و خواستاران لذت و عیش بوده است؛ اما این مربوط به دوره‌ای است که حکومت حاکمان ضعیف شده و تسلطی بر مردم جامعه نداشته‌اند؛ آنگاه است که عیاران در چهره‌های عیاش، خوش گذران و

دزد و ... ظاهر می‌شده‌اند و بارها در شهرهای خلفا مخصوصاً در بغداد اتفاق افتاده است.^{۱۹} در جایی دیگر نیز عیاران با کمک مردم عوام علیه ستمگران و لشکرهای بیگانه قیام می‌کنند و مردم را حمایت می‌کنند و به پیروزی می‌رسند و نمونه‌های آن در تاریخ ایران بسیار است از جمله یعقوب لیث صفار و ابومسلم خراسانی. در مورد آنان آمده است: «اگر جوانمردان ایران بجز ابومسلم خراسانی و یعقوب پسر رویگر سیستانی دیگر کسی را نپرورده بودند همین فخر و شرف برای ایرانیان بس بود».^{۲۰}

درباره اصول اخلاقی این عیاران می‌توان به داستان‌های عامیانه مانند ابومسلم نامه، سمک عیار و حسین کرد مراجعه کرد. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که عیاری یک جنبش ظاهری و عملی بوده و تفکرهای تصوف و فتوت، جنبش باطنی. یک نکته خیلی جالب که در مطالعات آئین فتوت بدان دست یافتیم این است که جوانمردان هنگام ورود به عضویت فتیان جوان، برای نشان دادن احترام به تشکیلات فتوت و ثابت کردن وفای خود به دوستان و برادران آب و نمک می‌خورند. نوشیدن آب بدان جهت است که معتقدند آب اصل زندگی و مایه قوام و استحکام آن است و همه نجاست‌ها و پلیدی‌ها را پاک می‌کند. علت آمیختن نمک به آب نیز آن است که نمک هر چیزی را از فساد حفظ و از دگرگونی و تغییر دور می‌کند؛ پس نمک خوردن رمزی است از دوام حال و ثبات قدم جوانمرد در آیین خویش و بازنگشتن از آن و نیز آب شیرین و گوارا است و شوری ضد گوارایی و مایه نا گوار شدن آب و آمیختن نمک به آب اشاره بدان است که جوانمرد باید در برابر سختی و سستی و فراز و نشیب زندگی شکمپا باشد و بلا را تحمل کند و نعمت‌های حق تعالی را شکر گوید و بسار رفیق خویش را در هر حال خواه تنگی و عسرت و خواه در فراغ نعمت بکشد.^{۲۱}

اما در آئین عیاری چیز دیگری می‌بینیم، اینجا به جای آب و نمک شراب می‌خورند اسم این مراسم شادی خوردن است. «نخستین قدم برای در آمدن در سلک عیاران «شادی خوردن» است این کار معادل است با پیمان بستن و سرسپردن و حلقه ارادت در گوش کردن. عیار نو باید از جای برخیزد و قدح شراب را بردارد و برابر سرخود بالا ببرد و نام استاد را بگوید و آنگاه قدح را یک باره بنوشد ... کسانی که همشان هستند «شادی رفیقی» و «شادی برادری» یکدیگر می‌خورند و این به منزله نو کردن عهد و پیمان یا تأیید آن است».^{۲۲}

پس این مراسم هم یک باردیگرتأکید می‌کند که عیاری یک روش و شیوه دنیایی بوده است که حتی در مراسم خاص مانند جشن‌ها شراب می‌خورند، اما فتیان که به این به مراسم اهمیت بسیار می‌دادند فقط آب و نمک می‌خورند و این هم رمز خاصی داشت که توضیح دادیم؛ اگر چه مراسم آب و نمک خوردن در آیین عیاری نیست، اما در مواد اصلی مرام نامه و شیوه عیاران یک نکته قابل توجه است که شاید با مراسم آب و نمک خوردن فتیان رابطه‌ای دارد و آن اینکه از خصلت و اخلاق عیاران است که «بر آن سفره که نان و نمک خورده باشد بد نکند». داستانی به لیث پدر یعقوب نسبت می‌دهند که «شبی نقبی زد و به خزانه دریم بن نصر رفت و زر و جواهر بی‌شمار به هم بست، به وقت بیرون آمدن پایش به چیزی خورد و

گوهری پنداشت. برداشته جهت امتحان به زبان زد و آن خود نمک نیشابور بود. آنگاه او را رعایت حق نمک، بر، گرفتن اموال غالب آمد، آنچه در هم بسته بود گذاشته به منزل رفت. وقتی از او پرسیدند که چرا این کار را کردی؟ گفت: رعایت حق نمک مرا از تصرف در آن جهات مانع آمد.^{۲۳} در آئین عیاری رسم است که وقتی کسی در صفت عیاران یا به خدمت ایشان در می‌آید باید سوگند بخورد که خیانت نکند و با دوست ایشان دوست باشد و با دشمن ایشان دشمن. نویسنده مقاله در ادامه، بعضی از صفات و مرام نامه عیاران را بر می‌شمرد و داستان‌ها و روایاتی را در خصوص عیاران و جوانمردان می‌آورد که به علت تطویل بحث از بیان آن خود داری شد و در پایان می‌نویسد: تقسیم بندی مرتبه عیاران و اهل فتوت نیز بسا همدیگر فرق داشته است: «تشکیلات و سازمان‌های عیاران بسیار منظم و مرتب بود و هر ده تن عیار یک سرپرست داشت که عریف نامیده می‌شد و هر ده تن یک نقیب داشت و هر ده نقیب یک قائد (سرهنگ) و هر ده قائد یک امر (اسفهلار، سپهسالار).^{۲۴}

همچنانکه می‌بینیم تقسیم بندی گروه عیاران تقسیم بندی نظامی بوده است؛ یعنی چنان که سربازان زیردست سرلشگری جمع می‌شوند؛ اما نزد اهل فتوت اینگونه نیست و بسیار فسرقت دارد. در فتوت نامه سلطانی نیز از نقیب، پدر عهدالله، استاد شد و شاگرد سخن گفته شده و آمده است: نقیب کسی است که قول و فصل این طایفه را بر محک امتحان زند و کامل عیار را از ناقص و کم عیار جدا سازد و برای نقیب، نیک خواهی و سخاوت و خوش خویی و حق گویی لازم است و پدر عهدالله کسی است که «فرزند» را به عهدخواهی در آورد و کیفیت این عهد آن است که نخست از او پرسد که به عهد خواهی در آمدی که متابعت شیطان نکنی و از مناهی و مکروهات پرهیزی و فرزند گوید در آدم و عهد کردم که خلاف امر خدا نکنم. استاد شد آن کسی است که هنگام مراسم میان بستن، بند را به پشت شاگرد می‌بندد. این مراسم میان بستن پیش اهل فتوت معنی فوق العاده مهمی داشته و احتمالاً ریشه‌های آن از آئین زرتشتی باقی مانده است. در دین زرتشتی باید کمر هر زرتشتی که به هفت سالگی می‌رسد با بندی بسته گردد که اسم این بند کشتی یا کستی بوده است. یکی دیگر از مهمترین کسوت‌های اهل فتوت سراویل یا شلوار بوده و به کسی که می‌خواست به سلوک فتوت در آید شلوار می‌پوشاندند.

دکتر حاکمی در این باره می‌نویسد: «... پایه فتوت از ایران است زیرا شلوار مختص به آن دسته از اقوام آسیایی است که سوارکاری از جمله آداب و رسوم آنها به شمار می‌رفته است و شلوار در ایران لااقل از زمان هخامنشیان متداول بوده، در صورتی که اعراب بدان احتیاجی نداشته‌اند».^{۲۵}

اما آیا پایه فتوت از ایران است؟ ما دیدیم که تا ظهور اسلام و هم بعد از آن در ایران اندیشه‌های فتوت مستقل وجود داشته و بعد از ظهور اسلام عنوان فتوت به خود گرفته است. پس می‌توان گفت که فتوت از ایرانیان به عرب‌ها سپرده شده است و همچنان که مؤلف کتاب سازمان فتیان می‌نویسد: «فتوت روشی از زندگی بوده که هم در میان ایرانیان و هم اعراب وجود داشته است با این تفاوت که در ایران این آیین کمال مطلوب حیات مدنی و نزد اعراب کمال مطلوب بدوی بوده است».^{۲۶} و همچنانکه گفتیم بین فتوت اسلامی و فتوت ایرانی

تفاوت‌هایی وجود دارد، پس نتیجه می‌گیریم که فتوت ایرانی جهان‌بینی و اندیشه مستقل است، عکس فتوت اسلامی که عملی و ظاهری است.

جوانمردی و راستی پیشه کن
همه نیکویی اندر اندیشه کن
(فردوسی)

پاورقی

* فوق لیسانس ایران‌شناسی - گرایش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دولتی ایروان در ارمنستان.

۱- آیین جوانمردی Interpretation by فتوت، محمد جعفر محجوب، نیویورک ۲۰۰۲، منظومه کلیله و دمنه قانع طوسی، ص ۱۸.

۲- IBN AL HUSAYN AL SULAMI, THE WAY OF SUFI TOSUN CHIVALRY, AN LNTPEARATION BY BAYRAK AL. JERRANI, New york, 1991, p.6

۳- جوانمردی و جوانمردان (کتاب الفتوه) ابو عبدالرحمن سلمی، ترجمه دکتر قاسم انصاری، قزوین، نشر حدیث امروز، ۱۳۸۰، ص ۱۹.

۴- عبدالرحمن سلمی، کتاب الفتوه، ص ۱۶

۵- محمد جعفر محجوب، همان، ص ۳۸ و ۳۹

۶- همان، ص ۱۶

۷- جوانمردی در آینه تصوف، کریم زبانی، مجله صوفی، شماره ۵۰، بهار ۱۳۸۰، ص ۳۲

۸- sse.G.G.Amakis, futuwa traditions in the ottoman empire: Akhis, bektashi, dervishes and craftsmen, in Journal of near eastern studies, xli, 4, 1953.

۹- فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن، عبدالباقی گولپینالی، چاپخانه لیلا، ۱۳۷۸، ص ۷۵.

۱۰- مبانی عرفان و تصوف، قاسم انصاری، ۱۳۷۹، ص ۹۲

۱۱- محمد جعفر محجوب، پیشین، ص ۱۸.

۱۲- همان، ص ۱۳.

۱۳- ترجمه رساله قشیریه، ابوالقاسم قشیری، تهران، ۱۳۴۵، ص ۳۵۲

۱۴- سازمان فتیان و نقش خلیفه عباسی در احیاء آن، محبوبه شرفی، ایران شناخت شماره ۶، پاییز ۱۳۷۶، ص ۲۴-۱۳۲

۱۵- همان، ص ۱۲۴.

۱۶- عبدالرحمن سلمی، پیشین، ص ۷۹-۸۰

۱۷- تاریخ فرهنگ و زورخانه، غلام رضا انصاف پور، ۱۳۵۳ و تاریخ ورزش ایران، فرامرز برزگر، ۱۳۵۰.

۱۸- ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن، مهرداد بهار، چیستا، شماره ۲، مهرماه ۱۳۶۰.

۱۹- محمد جعفر محجوب، پیشین، ص ۲۷-۱۰۴

۲۰- آئین فتوت و عیاری، اسماعیل حاکمی، سخن، شماره ۳، خرداد ۱۳۴۴، ص ۲۷۱.

۲۱- محمد جعفر محجوب، پیشین، ص ۵۴-۵۶

۲۲- آئین عیاری، پرویز ناتل خانلری، مجله سخن، دوره نوزدهم، خرداد ۱۳۴۸.

۲۳- یعقوب لیث، باستانی پاریزی، ص ۱۱۳-۱۱۲

۲۴- همان، ص ۱۰۶.

۲۵- اسماعیل حاکمی، پیشین، ص ۲۵۰.

۲۶- محبوبه شرفی، پیشین، ص ۱۲۹.